

۱۳ دی ۱۳۹۴ - شماره: ۴۷

# مقاله‌ها

پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی

**موجودیت آل سعود؛  
مانعی بزرگ از موانع ظهور مهدی**

**نویسنده مقاله:**  
دکتر ذاکر معروف

## بسم الله الرحمن الرحيم



این روزها بار دیگر شاهد جلوه‌هایی از عدم اهلیت رژیم جبار و خونریز آل سعود برای حاکمیت بر سرزمین وحی و سرپرستی امّ القرای جهان اسلام هستیم؛ رژیمی که از همان آغاز شکل‌گیری در بادیه‌های نجد، با شعار تکفیر مسلمانان مخالف و سرکوب ندای منتقدان خود، بر سر کار آمد و پادشاهی آل امیه را با منطق مستکبران و مفسدان احیا نمود و حاکمیت جعلی خود را با ظلم و جنایت بر روی خون مسلمانان مظلوم و مستضعف منطقه استوار ساخت و سپس در حالی که خود را نماینده‌ی اسلام و تنها منادی توحید در جهان می‌شمرد، به آغوش غرب غلتید و به اردوگاه کفار و مشرکین پیوست و با سوء استفاده از درآمدهای حاصل از حرمین شریفین و ذخائر بی‌حساب نفت در شبه جزیره، به تثبیت حاکمیت ظالمانه و نشر عقاید انحرافی و شرک‌آمیز خود در جهان پرداخت.

امروز نیز روش وارثان پسر سعود و پسر عبد الوهاب، هیچ تغییری نکرده است؛ زیرا اینان هنوز مانند نیاکان سفاک و جاه‌طلب خود حاضرند برای حفظ حاکمیت نامشروع خود که به لکّه‌ی ننگی در جهان اسلام تبدیل شده است، هر فتنه‌ای را در میان مسلمانان برانگیزند و هر صدای مخالفی را در گلو خفه سازند؛ همچنانکه تاکنون بزرگ‌ترین لطمات و کاری‌ترین صدمات را بر پیکر رنجور جهان اسلام وارد ساخته‌اند و با حاکم کردن خفقان و فضای سرکوب و وحشت در سرزمین وحی، جایی برای نقد اعمال و سیاست‌های غیر اسلامی خود باقی

نگذاشته‌اند.

آری، تردیدی نیست که جهان اسلام از زمان قدرت‌گیری خاندان سعود به یمن حمایت‌های بی‌دریغ و همه‌جانبه‌ی بریتانیا، با شیب بسیار تندی به طرف زوال و انحطاط سیاسی و فرهنگی حرکت نموده است؛ چراکه با روی کار آمدن این رژیم تندروی مذهبی، از یک سو رویکردهای افراطی و تنگ‌نظرانه‌ی وهابی به صورت فزاینده‌ای در میان مسلمانان افزایش یافته و اخوت اسلامی و خلق عظیم نبوی در میان آنان، جای خود را به خشونت، تکفیر، ترور و سرکوب یکدیگر داده، تا جایی که در اثر تبلیغات تحریک کننده و اغواگرانه‌ی این شیران، چیزی از احترام متقابل، تسامح و مدارا میان مذاهب اسلامی باقی نمانده و حتی ادبیات بسیاری از علما و مفتیان به ادبیات عوام احساساتی و ولگردهای خیابانی شبیه شده است و از سوی دیگر، سیاست تنش‌زایی و ناآرام کردن جهان اسلام از طریق تشکیل و تقویت گروه‌های تکفیری مفسد و هراس‌افکن مانند داعش، وضعیتی را به وجود آورده است که مسلمانان در هیچ نقطه‌ای از جهان روی آرامش را نمی‌بینند و همه‌ی وقت و نیروی خود را به جای مقابله با دشمنان اسلام، صرف مقابله با یکدیگر می‌کنند، تا به نیابت از طرف کفار و مشرکین به تضعیف و تخریب یکدیگر پردازند و از یک سو زمینه را برای پیشروی و استیلاء هر چه بیشتر متحد و دوست قدیمی آل سعود، رژیم غاصب اسرائیل فراهم کنند که بتواند با کمترین هزینه و ممانعت، فلسطین و اراضی اطراف آن را به تصرف خود درآورد و از سوی دیگر میدان را برای جولان نظامی و سیاسی ابرقدرت‌های غرب و شرق در کشورهای اسلامی باز کنند تا بتوانند به بهانه‌ی مبارزه با تروریسم، زنان و کودکان و جوانان مسلمان را به خاک و خون بکشند و نفت و گاز و سایر منابع آنان را به غارت ببرند. این همان چیزی است که آل سعود را به دوست صمیمی و همپیمان ارزشمند آمریکا و اسرائیل و دشمن غدار و خطرناک کشورهای مستقل اسلامی تبدیل کرده است!

متأسفانه مطلع شدیم که روز گذشته این رژیم سفاک و منافق، حکم اعدام تعدادی از مخالفان و منتقدان مسلمان خود از جمله یکی از عالمان برجسته‌ی اهل تشیع به نام شیخ نمر باقر النمر را با بهانه‌هایی واهی و ادعاهایی ثابت نشده، به اجرا درآورده، در حالی که پیداست جرم بسیاری از آنان، چیزی جز روشنگری علیه سیاست‌های این رژیم ظالم و انتقاد از اعمال غیر اسلامی آن نبوده است. هر چند مفتی مزدور و خودفروخته‌ی این رژیم عبد‌العزیز بن عبد الله آل‌الشیخ، در اظهاراتی سخیف و بی‌پایه که نشان از خیانت‌پیشگی این کعب‌الأنباء زمان

دارد، حکم قتل این مسلمانان مظلوم را «با تکیه بر کتاب خدا و سنت پیامبر» دانسته و برای حفظ دین، آبرو، جان، عقل و مال مردم ضروری شمرده است، اما پر واضح است که اظهارات این شیخ اعور، مصداق بارز دروغ بستن بر خداوند و پیامبرش و تبلیس حق به باطل و اعانت بر اثم و عدوان است و به هیچ عنوان نمی‌تواند این قبیل اعمال ضد اسلامی و جنایات وحشیانه‌ی آل سعود را تطهیر کند.

اما گذشته از همه‌ی این موضوعات، پیامی که واقعه‌ی تأسف برانگیز اخیر و به طور کلی اعدام بی‌رحمانه‌ی عالمان دگراندیش و منتقد در عربستان سعودی در خود دارد، دو نکته‌ی بسیار مهم است:

نکته‌ی اول اینکه با عنایت به تعلق شیخ نمر به جامعه‌ی اهل تشیع، این اقدام رژیم آل سعود پیش از هر چیز بر اختلافات فرقه‌ای و نزاع‌های مذهبی در جهان اسلام دامن می‌زند و موجی از خسارات جبران ناپذیر و هزینه‌های گزاف را برای امت مسلمان به بار می‌آورد که مسئولیت مستقیم آن متوجه آل سعود و حاکمان سفیه و کوتاه‌فکر آن است؛ چنانکه گویی این حاکمان منافق و مغرض، نه تنها اعتنایی به حفظ وحدت مسلمانان ندارند، بلکه اتفاقاً به دنبال دمیدن در آتش تفرقه میان مذاهب اسلامی از طریق این رفتارهای تحریک‌آمیز و شرورانه هستند؛ به این نحو که به بهانه‌ی اعدام یک عالم شیعه مذهب، شیعه و سنی را به جان یکدیگر بیندازند و موج جدیدی از منازعات مذهبی و فجایع خونین را در اقصی نقاط جهان اسلام کلید بزنند؛ خصوصاً با توجه به سیاست‌های غلط و ساده‌لوحانه‌ی برخی حاکمان شیعه در کشورهای مانند ایران که به جای مدیریت بحران و خنثی نمودن توطئه‌ی آل سعود، با شلوغ‌کاری و تحریک احساسات مذهبی مردم بدون هدایت آن‌ها در جهت صحیح، به تشدید اختلافات میان اهالی مذاهب می‌پردازند.

نکته‌ی دوم که از هر نکته‌ی دیگری مهم‌تر است و با این حال، از چشم بسیاری از مسلمانان پوشیده مانده، آن است که این قبیل جنایات سرکوبگرانه در عربستان سعودی، زنگ خطری جدی و هشدار تکان‌دهنده برای مسلمانانی است که با نظر به روایات متواتر اسلامی، در انتظار ظهور امام مهدی از مکه‌ی معظمه به سر می‌برند؛ چراکه وقتی آل سعود به عنوان متولیان این شهر، هیچ شخصیت مصلح و منتقدی را در سرزمین خود تحمل نمی‌کنند و سر از بدن هر عالم مسلمانی که امر به معروف و نهی از منکر نماید جدا می‌کنند و برای این کار از هیچ اعتراض و مخالفتی نیز در میان مسلمانان پروا ندارند، روشن است که با امام مهدی

نیز در صورت ظهور همین کار را انجام می‌دهند و آن گاه از دست این مسلمانان منفعل نیز در بهترین حالت ممکن، کاری بیشتر از همین واکنش‌های احساسی و گذرا در چند نقطه از جهان اسلام بر نمی‌آید! این به معنای آن است که موجودیت آل سعود، از بزرگ‌ترین موانع موجود بر سر راه ظهور مهدی است و تا هنگامی که این جباران بر مکه و مدینه حکم می‌رانند، امکانی برای ظهور آن حضرت وجود ندارد. از این رو، یکی از مقدمات واجب و اجتناب ناپذیر برای ظهور آن حضرت که همواره مورد عنایت و تأکید جناب علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی قرار داشته، خلع ید آل سعود از پرده‌داری کعبه و اخراج آنان از حرمین شریفین است؛ همچنانکه این عالم بصیر و وفادار به مهدی، در بخشی از کتاب شریف «بازگشت به اسلام» ضمن اشاره به عدم صلاحیت آل سعود فرموده است:

«عزل آنان از تصدی حرم و سپردن آن به مهدی، واجب است؛ همچنانکه اخراج آنان از مکه، بلکه جزیره العرب، به اقتضای وجوب اخراج مشرکان از آن، واجب است؛ چنانکه خداوند فرموده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا﴾<sup>۱</sup>؛ «ای کسانی که ایمان آوردید! جز این نیست که مشرکان نجس‌اند، پس بعد از این سالشان به مسجد الحرام نزدیک نشوند»؛ خصوصاً با توجه به اینکه مکه، بنا بر اخبار متواتر، پناه‌گاه مهدی پیش از ظهور اوست<sup>۲</sup> و با این وصف، استیلاء ظالمان بر آن، خطری جدی برای او شمرده می‌شود و تبعاً بر همه‌ی مسلمانان واجب است که هر چه زودتر، استیلاء ظالمان بر این شهر را برطرف کنند تا امنیت و امکان ظهور مهدی در آن، فراهم شود. هر چند جنگیدن در این شهر، به اقتضای حرمت آن از جانب خداوند، جایز نیست؛ چنانکه فرموده است: ﴿وَلَا تُقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّى يُقَاتِلَوكُمْ فِيهِ﴾<sup>۳</sup>؛ «و با آنان نزد مسجد الحرام نجنگید تا آن گاه که آنان با شما در آن بجنگند» و از این رو، چاره‌ای جز قطع دسترسی آنان به این شهر از خارج آن نیست و چه بسا قطع رابطه‌ی مسلمانان با آنان در زمینه‌ی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، مقدمه‌ی این کار را فراهم سازد.»<sup>۴</sup>

۱. توبه/ ۲۸.

۲. نگاه کن به: عبد الرزاق، المصنّف، ج ۱۱، ص ۳۷۱؛ مسند ابن جعد، ص ۳۹۳؛ ابن أبي شيبة، المصنّف، ج ۸، ص ۳۰۸؛ مسند أحمد، ج ۶، ص ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۰.

۳. بقره/ ۱۹۱.

۴. هاشمی خراسانی، بازگشت به اسلام، ص ۲۶۸ و ۲۶۹.

با این وصف، روشن است که تا حاکمان آل سعود با تبختر در کاخ‌های زرین خود گام برمی‌دارند و جام خود را به جام شراب کفار و مشرکین می‌زنند و به فساد در سرزمین وحی ادامه می‌دهند و با تصرفات عدوانی خود، بیت المال مسلمین و درآمدهای حاصل از حج و عمره و فروش نفت را علیه مسلمانان و به سود دشمنان اسلام هزینه می‌نمایند، زمینه برای ظهور مهدی فراهم نیست و این امر، توقّعی نابجا و خیالی خام خواهد بود، در حالی که اگر مسلمانان برای نابودی آل سعود یا دست کم، قطع ید آنان از مکه و مدینه، اجماعی حاصل نمایند، قادر خواهند بود که مثلاً از طریق تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی در کوتاه‌ترین زمان ممکن، کمر اقتصاد پوشالی و تک‌محصولی آل سعود را که بیهوده فربه شده است، بشکنند و زمینه‌ی سقوط آن را فراهم سازند؛ چنانکه به عنوان نمونه، با تحریم عربستان در دو حوزه‌ی خرید نفت و عمره‌ی مفرده، کسری بودجه‌ی این کشور از ۹۸ میلیارد دلار در سال گذشته که به خودی خود رکوردی بی‌سابقه برای کسری بودجه در این کشور محسوب می‌شود، به چندین برابر خواهد رسید و نظام اقتصادی این کشور را کاملاً فلج خواهد کرد. بدون شک ضعف شدید نظام اقتصادی و گردش سرمایه‌ی آل سعود، برای نابودی این رژیم یا دست کم وادار کردن آن به تغییر روش خود کافی خواهد بود و این همان چیزی است که ظهور مهدی را نزدیک خواهد ساخت ان شاء الله.

